



The Role of Social Support in Empowerment with an Emphasis on Moderation and Sustainable Development

Alireza Sargazi¹, Hasti Parsa Monfared^{1*}

1. Department of Agricultural Economics, University of Zabol, Zabol, Iran

*yasamansand@gmail.com

ABSTRACT

Received: 5 July 2025
Revised: 10 Aug 2025
Accepted: 20 Aug 2025
Available Online: 20 Sep 2025

Article type: Research Paper
DOI:

The study of human and non-human factors related to the process of growth and development has long been a central theme in the works of scholars in the humanities and social sciences, and among the most important of these in the field of human factors is the role and significance of women. However, what has received relatively less attention in the literature is the deconstruction of theories with regard to the gender factor. Achieving sustainable and endogenous development in any society requires the participation of women on the basis of moderation. No society can compete in global development relying solely on half of its workforce. Women's empowerment and its decisive role in sustainable development are among the issues that are currently being emphasized both theoretically and practically. The present study addresses the effect of social support on women's empowerment with regard to moderation and development. Women's empowerment was considered in terms of psychological empowerment, economic empowerment, empowerment based on agency, and physical empowerment. Social support was assessed through emotional support, self-esteem support, instrumental support, informational support, and social network support. The theoretical framework of this research was constructed on the basis of Giddens' structuration theory, empowerment theories, and Sarason's social support theory. The research method was survey-based, and the statistical population included women in Sistan and Baluchestan Province. Using Cochran's formula, the sample size was calculated at 440, and cluster sampling was employed. The findings show that social support significantly affects psychological, economic, and physical empowerment as well as overall empowerment. The results also indicate that informational support and social network support, with beta coefficients of 0.37 and 0.31 respectively, are capable of explaining the dependent variable.

Keywords: Women's Empowerment, Social Support, Moderation, Sustainable Development.

*Corresponding author: Hasti Parsa Monfared

E-mail address: yasamansand@gmail.com



بررسی نقش حمایت اجتماعی بر توانمندسازی با نگرش اعتدال و توسعه پایدار

علیرضا سرگزی^۱، هستی پارسا منفرد^{۱*}

گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

*yasamansand@gmail.com

چکیده

بررسی عوامل انسانی و غیرانسانی مرتبط با فرایند رشد و توسعه از جمله موضوعاتی است که دانشمندان مختلف علوم انسانی و اجتماعی به آن پرداخته اند و از مهم ترین آنها در مبحث عوامل انسانی، بررسی نقش و اهمیت زنان است. اما آنچه که در ادبیات مربوط کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته، کالبد شکافی تئوری های ارائه شده با توجه به عامل جنسیت است. برای دست یابی به توسعه پایدار و درونزا، در هر جامعه ای نیاز به مشارکت زنان بر اساس اعتدال احساس می شود. هیچ جامعه ای نمی تواند تنها با نیروی کار نیمی از جمعیت خود، با توسعه جهانی رقابت کند. توانمندسازی زنان و نقش تعیین کننده آن در توسعه پایدار از جمله موضوعاتی است که در حال حاضر از نظر تئوری و کاربرد به آن توجه میشود. تحقیق حاضر به تاثیر حمایت اجتماعی در توانمندی زنان با نگرش اعتدال و توسعه پرداخته است. توانمندسازی زنان شامل ابعاد توانمندسازی روانشناختی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندی بر حسب عاملیت و توانمندسازی جسمی بوده است. حمایت اجتماعی با ابعاد حمایت عاطفی، حمایت خود ارزشمندی، حمایت ابزاری، حمایت اطلاعاتی و حمایت شبکه های اجتماعی سنجیده شده است. چارچوب نظری تحقیق بر اساس نظریه ساختاریابی گیدنز، نظریات توانمندسازی و نظریه حمایت اجتماعی ساراسون شکل گرفته است. روش تحقیق بصورت پیمایشی بوده و جامعه آماری شامل زنان استان سیستان و بلوچستان و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۴۴۰ نفر محاسبه شده است. نمونه گیری بصورت خوشه ای بوده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که حمایت اجتماعی بر توانمندسازی روانشناختی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی جسمی و توانمندسازی کل تاثیر داشته است. نتایج حاکی از آن است که ابعاد حمایت اطلاعاتی و حمایت شبکه اجتماعی با ضرایب بتای ۰,۳۷ و ۰,۳۱، قابلیت تبیین متغیر وابسته را دارا هستند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

مقاله علمی پژوهشی

واژگان کلیدی: توانمندسازی زنان، حمایت اجتماعی، اعتدال، توسعه.

* نویسنده مسئول: هستی پارسا منفرد

آدرس پست الکترونیک: yasamansand@gmail.com

مقدمه

امروزه رشد و توسعه به عنوان یک آرزو و ایده آل، هدفی است که همه جوامع، ملت ها و دولت ها به دنبال آن هستند. اما سوال اساسی این است که عوامل موثر برای رسیدن به توسعه چه هستند؟ بدون تردید مجموعه عوامل متعددی را برای توسعه باید مدنظر قرار داد، منتها مهم ترین و اساسی ترین عامل را باید در منابع انسانی با استفاده از توان نرم افزاری انسان ها که همان سرمایه انسانی است جستجو نمود. به عبارت دیگر حضور کمی و کیفی عوامل انسانی در این فرایند نقش اساسی را ایفا می کند و وقتی هم صحبت از منابع انسانی می شود، جنسیت خاصی مطرح نبوده و زن و مرد از هم تفکیک نشده اند با توجه به این که زنان نصف جمعیت جامعه محسوب شده و با حذف آنها نصف جمعیت عملا از جمعیت فعال جامعه حذف خواهند شد، لذا پرداختن به موضوع جداگانه ای تحت عنوان زن و توسعه نگرش های خاصی را به همراه داشته و شاید بازخوردهای مناسبی برای نگارنده نداشته باشد. ولی از آنجا که تفسیر موضوع چه در بعد نظری و چه در بعد عملی، به این مقوله به اندازه کافی توجه شده است، لذا کل مطالب با نگاه جنسیتی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. از نظر تاریخی موضوع زن و توسعه به ۳ دهه اخیر برمی گردد، یعنی زمانی که زنان به عنوان نیروهای فعال اقتصادی مطرح شدند و به همین دلیل ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ میلادی توسط سازمان ملل به نام دهه زنان نام گذاری شد. در حقیقت یک دهه را به زنان اختصاص دادند و بحث های مختلفی برای ارتباط بین توسعه و زنان شکل گرفت، اما سوال اساسی و کلیدی این است که حلقه اتصال زنان و توسعه چه چیزی است؟ به عبارت دیگر، چه عاملی زنان را به توسعه پیوند می دهد؟ به اعتقاد نگارنده و با توجه به مطالعات و بررسی های مختلف، حلقه اتصال زن و توسعه فرایندی است به نام توانمندسازی زنان یعنی روشن سازی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان است که می تواند زنان را به توسعه پیوند دهد. بر این باورم، توانمندسازی کلیدی تر از همه مولفه هاست و مساله یا مشکل اصلی جامعه هم به همین موضوع برمی گردد. به عبارت روشن تر، حلقه اتصال بین زنان و توسعه به درستی تبیین نشده است. اما قبل از توضیح این ارتباطات بهتر است تعریفی از مفهوم توانمندسازی ارائه شود. توانمندسازی زنان از جمله

مولفه های مهم در توسعه پایدار است. زنان قربانیان اصلی در مواردی چون فقر، خشونت، عدم برخورداری از تغذیه و بهداشت مناسب هستند، از این رو توجه به بهبود موقعیت زنان نفع همگانی را در بر دارد. مطالعات در حوزه توانمندسازی زنان بطور گسترده انجام میشود. در این مورد مجامع بین المللی در مورد این موضوع دست به تحقیقات گسترده ای زده اند که میتوان به مطالعات انجام شده توسط سازمان ملل و بانک جهانی اشاره کرد. از طرف دیگر بیشتر کشورها نیز دریافته اند که بدون توانمندی زنان توسعه پایدار محقق نخواهد شد. پرورش فرزندان، اداره امور منزل، حفظ محیط زیست، بهره وری صحیح از منابع، صرفه جویی در انرژی مباحثی هستند که زنان بطور مستقیم با آنان مرتبط هستند، پس توانمند بودن و توانمند ساختن زنان به جامعه در رسیدن به اهداف توسعه کمک خواهد کرد و از طرف دیگر به ترقی و تعالی نیمه از جامعه نیز منجر میشود.

از آنجائیکه توانمندی زنان یک پدیده اجتماعی است و پدیده های اجتماعی تک علتی نیستند، توانمند شدن زنان به عوامل درونی و بیرونی متعددی بستگی دارد. از طرفی عواملی درونی چون وضعیت جسمانی، روانی، وضعیت اقتصادی خانواده بر توانمندی فرد نقش تعیین کننده ای دارد. از طرف دیگر ساختارهای موجود اجتماعی در این مورد میتواند نقش تعیین کننده ای داشته باشد. یکی از عواملی که میتواند در توانمندی افراد نقش داشته باشد، تاثیر حمایت اجتماعی بر توانمندی آنان است. پژوهشهای متعددی ثابت کرده اند که هر چه میزان حمایت اجتماعی افزایش یابد، سطح توانمندی نیز افزایش پیدا میکند و بالعکس. از این نگاه، داشتن توانمندی مشروط به داشتن حمایت اجتماعی است (قدسی، 1402).

حمایت اجتماعی مفهومی چند بعدی است که به اشکال و طرق مختلفی تعریف شده است. برای مثال، میتوان آن را به عنوان یک منبع فراهم شده توسط دیگران، به عنوان امکاناتی برای مقابله با استرس، یا یک مبادله ای از منابع تعریف نمود (شولتز و شوارتز، 2024). برخی از پژوهشگران، حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه، و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی افراد یا گروههای دیگر نظیر اعضای خانواده، دوستان، و دیگران مهم تعریف کرده اند (سارافینو، 2018). برخی، حمایت اجتماعی را واقعیتی اجتماعی و برخی دیگر، آن را ناشی از ادراک و تصور فرد میدانند. از این رو در این مطالعه به تاثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان پرداخته شده است.

مبانی نظری تحقیق

در انتخاب چارچوب نظری تحقیق از نظریه ساختاریابی گیدنز، نظریه حمایت اجتماعی ساراسون و نظریه توانمندسازی زنان استفاده شده است.

نظریه ساختاریابی گیدنز

در نظریه گیدنز، عاملیت و ساختار، برای کوچکترین مساله مانند ذهنیت فرد تا نظامهای جهانی قابل کار بست است (پیرسون، ۱۴۰۱: ۱۳۵) در نظریه ساختاری شدن، حیطه اصلی مطالعه علم اجتماعی نه تجربه فرد کنشگر و نه وجود هیچ شکلی از کلیت اجتماعی است، بلکه اعمال اجتماعی است که در طول زمان و مکان نظم یافته اند. چارچوب تفکرات گیدنز بر حسب مسائل جامعه شناختی است. همین شالوده جامعه شناختی او را از سایر نظریه پردازان اروپایی که سعی دارند مسائل فلسفی را به وسیله ابزارهای جامعه شناختی حل کنند، متمایز میگرداند (کوهن، ۱۳۹۹: ۲۲۴). گیدنز ساختار را برحسب قواعد و منابع تعریف می کند (کرایب، ۱۴۰۳) او معتقد است جامعه شناسی فقط با در نظر گرفتن کردارهای اجتماعی به عنوان موضوع مطالعه می تواند بر دوگانگی سنتی کنش و ساختار فائق آید. این دوگانگی در واقع دو وجهی بودن است: یک «چیز» یا یک موضوع مورد مطالعه با دو وجه وجود دارد، بر اساس نظریه ی ساختاربندی، قلمرو پژوهش اساسی علوم اجتماعی نه تجربه ی کنشگر فردی و نه وجود نوعی کلیت اجتماعی، بلکه کردارهای اجتماعی سامان یافته در زمان و مکان است. قواعد از نظر گیدنز در جمع و در ارتباط با اجتماع معنی می یابند. این قواعد را نمیتوان جدا از منابع اجتماعی مفهوم سازی کرد. قواعد متضمن رویه های ارزشمند تعامل اجتماعی است قواعد از یک سو به شکل گیری معنا مربوط است و از سویی دیگر منوط به تایید شیوه های رفتار است (گیدنز، ۲۰۱۴: ۱۶).

منابع، تسهیلاتی هستند که کنشگران جهت انجام امور از آنها استفاده می کنند. گیدنز منابع را شامل چیزهای میداند که قدرت را بوجود می آورند. وقتی کنشگران تعامل میکنند از منابع استفاده میکنند، و وقتی از منابع استفاده میکنند، کنش دیگران را شکل میدهند (تارنر، ۲۰۲۳).

فرایند توانمندسازی، بر جنبه مهم پویایی روند توانمندسازی تاکید دارد: پتانسیل توانمندسازی نه تنها از لحاظ منابع و توانایی های شخصی مردم، بلکه از نظر قوانین و مقررات ساختار اجتماعی وجود دارد. ارتباط ساخته شده توسط گیدنز میان ساختار اجتماعی و عاملان انسانی تبیین نظری این مورد که توانمندسازی اجتماعات و توانمند سازی فردی که هم بخشی دارند را تقویت میکند (گیدنز، ۲۰۱۴).

از این رو، توانمندسازی ممکن است به یک فرایند دایره ای شکل از تغییرات اجتماعی و فعال سازی تواناییها و منابع مقایسه شود، که در آن عوامل انسانی در نیاز به کنش توانمند همراه با سایر عوامل انسانی عمل میکند. ساختار اجتماعی که با استفاده از این فعالیتها بوجود آمده شامل حفظ و باز تولید عناصر از ساختار اجتماعی موجود، و اخلاقی یک فرایند تحلیل انتقادی اجتماعی است. در حوزه ارتباطی، مردمی که توانمند شده اند یاد می گیرند که چگونه وضعیت خود را به گونه ای متفاوت درک کنند، و در نتیجه تشکیل یک ساختار نمادینی که در آن سهمیم هستند را می دهد و به آنها معنای اجتماعی جدیدی از وضعیتشان و روابط آنها با دیگران را می بخشد. در حوزه هنجاری، مردم درک هنجارهای نو اجتماعی خاصی که بر آنها تأثیر میگذارد را می آموزند. توانمندسازی ممکن است از نظر توانایی افراد در تاثیر گذاری برای تغییر در نظر گرفته شود، اما نمیتوان توانایی فردی که در فعالیت اختصاصی اش بروز یافته است را بدون ارتباط با ساختارهای موجود کنترلی که این شخص از طریق رفتارش تقویت کرده، تفسیر کرده و تغییر داده درک کرد. کارایی فردی از طریق ساختارهای کنترلی که در سیستمهای اجتماعی جای دارند استحکام مییابد. از این رو فرایند توانمندسازی به آنچه از قبل در جامعه وجود داشته بستگی دارد، اما موفقیت این فرایند به اینکه چه و به چه میزان تغییرات در سطح فردی، در سطح اجتماعات و در نظام اجتماعی به این فرایند مرتبط است به وقوع پیوسته است تعریف شده است. توانمندسازی اجتماعات بستگی به کسب توانایی در دسترسی به منابع ضروری دارد، که می تواند به دو نوع تقسیم شود: منابع تخصیصی و منابع معتبر. منابع تخصیصی منابع مادی هستند مانند مواد خام، فن آوری ها، و تولیداتی که از طریق ترکیبی از این آمدهاند. منابع معتبر، منابع سازمانی هستند که می تواند به سه نوع تقسیم شوند: ۱. سازمان دادن زمان فضای اجتماعی، به عنوان مثال، ایجاد مسیرهای

زندگی روزمره. ۲. سازمان دادن انسانها در ارتباط متقابل. ۳. سازمان فرصتهای زندگی: شکل دادن فرصتهای خود توانمندی و خود بیانی (گیدنز، ۲۰۱۴).

اعتدال

اعتدال یک اصل بنیادی ارسطویی در تفسیر پیدایش و تحول و نابودی پدیده‌هاست. ارسطو به‌عنوان یک متفکر واقعیت‌گرا، در جست‌وجوی مبانی عینی بود تا بتواند جهان و حوادث آن را تفسیر کند. ارسطو روش انتزاعی افلاطون را که تفسیر جهان براساس مفاهیم انتزاعی و فرضیات ذهنی بود، نمی‌پذیرفت. بلکه از روشی پیروی می‌کرد که آن را فوسی‌کوس می‌نامید؛ یعنی روشی مبنی بر واقعیت‌های جهان. او پیدایش پدیده‌ها را از عناصر چهارگانه براساس اعتدال، تفسیر می‌کرد به این معنا که اگر اجتماع عناصر و ترکیب و امتزاج آنها متعادل و متناسب باشد، به نسبت میزان این اعتدال و تناسب، موجوداتی پدید می‌آیند؛ از مرکبات جمادی گرفته تا نبات و حیوان.

و اگر این اعتدال آسیب ببیند، این پدیده‌ها دچار انحلال و نابودی می‌شوند. ارسطو طبیعت را دارای قوانینی می‌دانست که ثابت و استوارند. او می‌گفت: هرگز کار طبیعت، گراف و بیهوده نیست. بلکه حساب و کتاب روشن و ثابتی دارد. چنان‌که علوم تجربی جدید هم بر این قوانین استوارند!

اعتدال در طب قدیم هم یک اصل اساسی بود که سلامت و بیماری‌ها براساس اعتدال و عدم اعتدال عناصر و اخلاط و طبایع، تفسیر می‌شدند.

ارسطو اعتدال را در اخلاق هم، اساس قرار داد. از نظر وی اخلاق بر اعتدال استوار بود. شجاعت اعتدالی بود در میانه ترسویی و بی‌باکی و همین‌طور سخاوت، عفت و حکمت همه براساس اعتدال تفسیر می‌شدند. حکمای اسلام نیز اخلاق را براساس اعتدال تفسیر می‌کردند. اگرچه در جهان امروز این واژه را در قلمرو علوم تجربی و طب و ... چندان جدی نمی‌گیرند، اما در عرف مردم، هنوز هم آن را به کار می‌برند. اعتدال امروزه در زمینه سیاست به معنای دقیق ارسطویی نیست. بلکه منظور از آن، تدبیر مبنی بر خرد و دانش و تجارب عینی از روابط و ضوابط حاکم بر حوادث داخلی و بین‌المللی است. بنابراین اعتدال

در سیاست عبارت است از رفتار براساس عقل و منطق و ملاحظات شرایط عینی کشور و جهان و پرهیز از تعصب و احساسات تند و رفتار برخاسته از جهل و جمود. اعتدال در شعار رییس جمهور منتخب مردم، یعنی همین که کار براساس عقل و دانش خواهد بود. یعنی تدبیر کشور را بر کارشناسی علمی و تخصص، استوار خواهیم ساخت و از جانبداری‌های غیرمنطقی و رفتارهای برخاسته از احساسات و تعصب و جهل و جمود پرهیز خواهیم کرد. روش تدبیری براساس علم و تخصص، در برابر روش تسخیری و خودخواهانه قرار دارد که اساس آن، خودمحوری و غرور و جهل است، اگر مفهوم اعتدال در کشور به درستی پیاده شود، در پی آن توسعه نیز به دست می آید، که همه مردم کشور چه مردان و چه زنان در این توسعه نقش داشته اند.

نظریه حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی مکانیسمی از ارتباطات میان فردی است که افراد را از تأثیرات تنیدگی منفی محافظت میکند (دراکر، ۲۰۲۱). حمایت اجتماعی را می توان به هر گونه محرکی که به پیشرفت اهداف فرد حمایت شده کمک کند دانست (دیمتئو، ۱۳۹۷) ساراسون (2018) حمایت اجتماعی را مفهومی چند بعدی میداند که هر دو بعد واقعی و تصویری را در بر میگیرد (علیپور، ۱۴۰۰). در مجموع، شاید بتوان گفت که حمایت اجتماعی یعنی این احساس که شخص مورد توجه دیگران است و دیگران برای او ارزش قائلند و اینکه او به یک شبکه اجتماعی متعلق است (گاچل و دیگران، 1400).

دسته بندی های گوناگون ی توسط پژوهشگران از مفهوم حمایت اجتماعی به عمل آمده است. در واقع، این دسته بندی ها در پاسخ به این سؤال بوده است که حمایت اجتماعی، به طور ویژه چه چیزی را برای یک شخص فراهم می آورد؟ سارافینو با جمع بندی نظرات برخی از پژوهشگران به دسته بندی حمایت اجتماعی در پنج مقوله حمایت عاطفی، ارزشیابانه¹، ابزاری یا ملموس، اطلاعاتی، و شبکه ای پرداخت (سارافینو، 2018). درنتا وهمکاران (2016) بر اساس طبقه بندی ویلز (1985)، حمایت اجتماعی را به سه دسته عاطفی، ابزاری، و اطلاعاتی تقسیم بندی کرده اند. دیویسون و همکاران (1401) از حمایت اجتماعی ساختاری و کارکردی نام برده اند. دفتر اروپایی سازمان جهانی بهداشت (۱۴۰۰) حمایت اجتماعی را در چهار مقوله عاطفی، اطلاعاتی، ابزاری، و ارزشیابانه دسته

بندی کرده است . هم چنین گاجل و همکاران (۱۴۰۰) در طبقه بندی حمایت اجتماعی به حمایت ارزشیابانه، اطلاعاتی، همراهی اجتماعی، و ابزاری اشاره کرده اند.

نظریه توانمندسازی زنان

این مفهوم در ادبیات تحقیق تعاریف متعددی دارد مفهوم توانمندسازی به معنای برتری فردی به فرد دیگر (زن بر مرد) نیست، بلکه در این مسیر ارتقای خودباوری و خوداتکایی زنان مدنظر قرار می گیرد. تعریف دیگری که از این مفهوم به دست می آید این است که مفهوم توانمندسازی به معنای بهره گیری از نتایج توسعه نیست، بلکه حضور فعال و مستمر زنان در اجرای برنامه توسعه است. طبق مطالعات اینجانب، توانمندسازی با توجه به تعاریف ارائه شده از طرف سازمان ملل متحد شامل پنج بخش عمده است که عبارتند از:

۱- احساس ارزش داشتن

۲- حق مالکیت و تصمیم گیری

۳- حق دسترسی به فرصت ها و منابع

۴- حق کنترل زندگی خود در داخل و بیرون از خانه

۵- قدرت تاثیرگذاری بر جریان تغییرات اجتماعی برای به وجود آوردن نظام عادلانه

اقتصادی در محدوده ملی و جهانی

با توجه به این تعریف زنان باید به عنوان شهروندان فعال قلمداد شوند که در بعضی از تعاریف به نام کنترل شهروندی هم تعبیر می شود (که از عالی ترین سطح و نوع مشارکت مطرح می شود)، و معنای تصمیم گیری و مشارکت در امور زندگی خانوادگی و اجتماعی است. رفاه، دسترسی، آگاهی و کنترل، معیارهای دیگری هستند که در فرآیند توانمندسازی اهمیت دارند، اما موضوع اصلی بحث این است که چه عواملی در توانمندسازی زنان موثرند؟ در پاسخ به این سوال به طور ساده به فهرستی از عوامل موثر اشاره می شود. به طور مثال محققین اعتقاد دارند عواملی مثل دسترسی بیشتر به تحصیلات رسمی، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و نهایتاً حذف باورهای سنتی می تواند بر توانمندسازی زنان نقش موثری ایفا کنند.

سارا لانگه، یکی از نظریه پردازان در امور زنان، که معتقد است برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله را که به ترتیب شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می باشد، طی کرد. در مرحله رفاه، رفاه مادی زنان مانند تغذیه و درآمد بررسی می شود. در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان مد نظر قرار می گیرد. در مرحله دسترسی، زنان باید به عوامل تولید (زمین، کار، سرمایه)، کارهای مولد درآمد، خدمات آموزش های مهارت زا که استخدام و تولید را ممکن می سازد و حتی محصول و دسترسی خود دسترسی داشته باشند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن ها ناشی از کمبودهای شخصی شان نیست، بلکه نشأت گرفته از نقش های جنسیتی مربوط به فرهنگ بوده و لذا قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنای باور داشتن برابری است. در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه های مربوط به خود شرکت می کنند. مشارکت آن ها باید با تعداد و شمار آن ها در جامعه متناسب باشد. در نهایت، برابری در کنترل به معنی توازن قدرت میان زنان و مردان است (لانگه، ۱۴۰۲)

آمارتیا سن در کتاب توسعه به مثابه آزادی فصلی را اختصاص به زنان داده است این فصل به نام نقش فاعلی زنان و تحولات اجتماعی، به اهمیت بهداشت و سلامتی زنان با نقش فاعلی آنان اشاره میکند و تاثیر این نقش را در حوزه هایی چون میزان فاعلیت زنان بر باروری و تقویت بقای کودکان را بررسی میکند. سن این دو حوزه را نه تنها در جهت توانمندی زنان بلکه تاثیر آن را بر توسعه جوامع نیز مهم می شمارد. سن نقش فاعلی زنان را از فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی تا مشارکتهای سیاسی قابل تعمیم میداند. وی فراگیری گسترده فاعلیت زنان را یکی از بخشهای فراموش شده مطالعات توسعه میداند. سن اعتقاد بر این دارد که در عصر حاضر هیچ چیزی مهمتر از درک کافی از مشارکتهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان نیست، در واقع او توجه به این موضوع را بررسی جنبه مهم توسعه به مثابه آزادی میداند (سن، ۱۴۰۰: ۲۲۹). مالهاترا توانمندسازی زنان را فرایندی تعریف میکند که به وسیله آن زنان برای سازماندهی خودشان توانمند میشوند و اعتماد به نفس خود را افزایش میدهند و از حقوق خود برای انتخاب مستقل و کنترل بر منابع، که منجر به از بین رفتن جایگاه فرودستی ایشان میگردد؛ دفاع می کنند (مالهاترا، ۲۰۱۲: ۵). با توجه به تعاریف و اجزاء توانمندسازی زنان، مالهاترا، شولر و بوندر از جمله نظریه پردازانی هستند که بطور اصولی

توانمندسازی را یک فرایند محسوب میکنند، یعنی، معرف پیشرفت از یک موقعیت نابرابری جنسیتی به موقعیت دیگر یعنی برابری جنسیتی میدانند. این فرایند از سطح فردی (احساس ذهنی و توان عینی برای انجام امور) شروع می شود و تا سطوح اجتماعی (توان مشارکت در فعالیت های گروهی و جمعی)، سیاسی (کنترل بر تصمیمات سیاسی)، اقتصادی (توان کنترل تصمیمگیری های اقتصادی) و نهادی (به چالش کشیدن نهادها و ساختارهای نابرابر موجود) را در برمیگیرد. نایلا کبیر از جمله زنان محقق است که در زمینه توانمندی زنان تحقیقات گستردهای را انجام داده است کبیر در این مورد معتقد است که زنان در دنیای کنونی توسط هنجارها، ارزشها، باورها و رسوم متفاوت از مردان متمایز شده اند که بصورت فرهنگ رایج در طی اعصار عمل کرده است (کبیر، ۲۰۱۰: ۲۲).

پیشینه تحقیق

در تحقیقی که توسط محمود کتابی و همکاران (۱۴۰۲) بر روی عوامل موثر بر توانمندسازی زنان صورت گرفت، نشان داده شده است که افزایش سطح تحصیلات، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی در افزایش توانمندی زنان نقش موثر دارد. از میان این متغیرها، افزایش سطح تحصیلات بیشترین تاثیر مستقیم و سایر متغیرها تاثیر غیر مستقیم در توانمندسازی دارند. زنان دارای تحصیلات بالا از نظر بنیه مالی و حق مالکیت در سطح بالاتری قرار دارند. تحقیق "مشارکت، راهکار اصلی توانمندسازی زنان" به این امر توجه کرده است که زنان بهعنوان عامل مؤثر در امور مختلف کشاورزی و اقتصادی و اجتماعی و از نظر مشارکت نیروی انسانی مورد نیاز در جامعه بیشترین سهم را دارند، به گونه ای که بدون کمک و مشارکت آنان، رسیدن به توسعه اقتصادی امری ناممکن است. در تحقیقی دیگر بین حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی رابطه وجود داشته است (خسروی و ناهیدپور، ۱۴۰۳). در تحقیق دیگری بین حمایت اجتماعی و همسر آزاری نتایج بدست آمده نشان میدهد در مقیاس حمایت اجتماعی و زیر مقیاس های آن و نمره کل استرس ادراک شده و در متغیر همسر آزاری و زیر مقیاس های آن (جسمانی، عاطفی، جنسی) بین دو گروه همسر معتاد و زنان دارای همسر غیر معتاد تفاوت معنادار وجود دارد. میزان

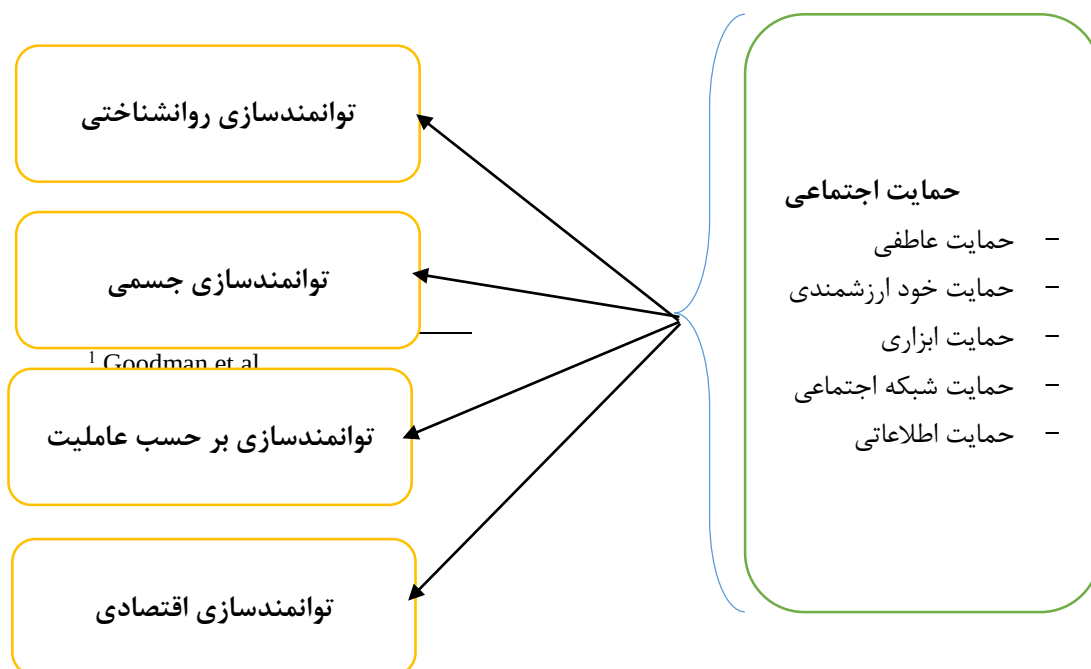
حمایت اجتماعی، استرس ادراک شده و میزان همسر آزاری در زنان دارای همسر معتاد و زنان دارای همسر غیر معتاد متفاوت می باشد (ستوده ناورودی، زینعلی، و خستگان ۱۴۰۱). در تحقیق دیگر به نقش حمایت اجتماعی و تعرضات در خانواده نتایج نشان میدهد، متغیر حمایت اجتماعی در خانواده اثر مستقیم چندانی بر تعارض خانواده با کار ندارد اما از طریق احساس از گران باری نقش خانوادگی و ابهام نقش خانوادگی تاثیر کاهنده بر تعارض خانواده با کار دارد (نبوی، و شهریاری، ۱۴۰۱). در تحقیقات دیگر نیز به نقش حمایت اجتماعی در خودکارآمدی، باور به اثربخشی درمان (رحیمیان بوگر و همکاران، ۱۴۰۰) نقش حمایت اجتماعی و سازگاری در دانشگاه (زکی، ۱۳۹۹) اشاره شده است. حمایت اجتماعی در برخی از افراد موجب بهبود وضعیت آنها شده است در صورتی که شواهدی نیز موجود است که نشان میدهد وجود شبکه های اجتماعی در برخی موارد ضررشان بیشتر از نفعشان بوده است (گودمن و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی: حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان تاثیر دارد.

فرضیه های فرعی:

- حمایت اجتماعی بر توانمندسازی روانشناختی زنان تاثیر دارد.
- حمایت اجتماعی بر توانمندسازی جسمی زنان تاثیر دارد.
- حمایت اجتماعی بر توانمندسازی بر حسب عاملیت زنان تاثیر دارد.
- حمایت اجتماعی بر توانمندسازی اقتصادی زنان تاثیر دارد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظرهدف کاربردی، از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نظر نوع، تحلیل همبستگی دو متغیره است. حجم جامعه آماری کل زنان در سطح استان سیستان و بلوچستان بودند و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران^۱ که میزان خطای برآورد $d = .5$ و $Z = 1/96$ بود، ۴۰۰ نفر، محاسبه شد که از روش نمونه‌گیری تصادفی جهت توزیع پرسشنامه استفاده شد. جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، علاوه بر مطالعه کتابخانه‌ای، از روش میدانی نیز استفاده شد. در جریان مطالعه پیمایشی از دو پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که روایی این دو پرسشنامه توسط اساتید و خبرگان حوزه مدیریت و علوم اجتماعی مورد تایید قرار گرفت و برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. که برای پرسشنامه حمایت اجتماعی، ۰,۸۲۵ و برای پرسشنامه توانمندسازی ۰,۸۶۳ محاسبه گردید که این نشان از اعتبار بالای پرسشنامه‌ها دارد. تجزیه

^۱- Cochran formula

$$n = \frac{Z^2 - N.P(1-P)}{d^2(N-1) + [P(1-P)]}$$

و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های رگرسیون خطی و چند متغیره انجام گرفت.

یافته های تحقیق

فرضیه اصلی: حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان تاثیر دارد.

جدول ۱: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش بینی «توانمندسازی کل» از طریق «حمایت اجتماعی»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
رگرسیون	۸۴,۳۱	۵	۷۷,۶۳	۴,۷۲	۰,۰۰۱
باقی مانده	۶۴,۱۹	۱۴۵	۲۵,۱۳		

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بینی کننده	ضریب بتا	میزان T	سطح معناداری
توانمندسازی	حمایت عاطفی	۰,۰۵	۰,۰۵	۰,۵۹۸
	حمایت ابزاری	-۰,۰۱	-۰,۱۲	۰,۸۹۸
	حمایت خود ارزشمندی	۰,۰۵	۰,۶۳	۰,۵۳۰
	حمایت اطلاعاتی	۰,۳۷	۳,۰۱	۰,۰۰۳
	حمایت شبکه اجتماعی	۰,۳۱	۳,۲۰	۰,۰۰۲

با توجه به جدول ۱ و با تأکید بر میزان F بدست آمده، میتوان مطرح نمود که ارتباط معنی داری بین «حمایت اجتماعی» با «توانمندسازی» در سطح $\alpha=0,01$ مشاهده میشود. ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست نشان داده است، ارتباط مثبت معنی داری بین «حمایت اطلاعاتی» و «حمایت شبکه اجتماعی» با «توانمندسازی کل»، مشاهده میشود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت اطلاعاتی» و «حمایت شبکه اجتماعی»،

«توانمندسازی کل» نیز افزایش می یابد و با کاهش آنها، «توانمندسازی کل» نیز کاهش می یابد.

فرضیه فرعی اول: حمایت اجتماعی بر توانمندسازی روانشناختی زنان تاثیر دارد.

جدول ۲: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش بینی «توانمندسازی روانشناختی» از طریق «حمایت اجتماعی»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
رگرسیون	۶۰,۲۰	۵	۵۲,۴۱	۱۲,۸۵	۰,۰۰۱
باقی مانده	۵۸,۸۷	۲۶۹	۵۶,۳۲		

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بینی کننده	ضریب بتا	میزان T	سطح معناداری
توانمندسازی	حمایت عاطفی	-۰,۰۵	-۰,۷۴	۰,۴۸۵
	حمایت ابزاری	۰,۰۵	۰,۷۰	۰,۴۸۱

حمایت خود ارزشمندی	۰,۳۵	۵,۵۶	۰,۰۰۱
حمایت اطلاعاتی	۰,۱۶	۱,۹۹	۰,۰۴۷
حمایت شبکه اجتماعی	-۰,۱۰	-۱,۵۹	۰,۱۱۳

با توجه به جدول ۲ و با تأکید بر میزان F بدست آمده، میتوان مطرح نمود که ارتباط معنی داری بین «حمایت اجتماعی» با «توانمندسازی روانشناختی» در سطح $\alpha=0,01$ مشاهده میشود. با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست آمده، نشان داده شده است که ارتباط مثبت معنی داری بین «حمایت خودارزشمندی» با «توانمندسازی روانشناختی»، مشاهده میشود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت خودارزشمندی»، «توانمندسازی روانشناختی» نیز افزایش می یابد و با کاهش آن «توانمندسازی روانشناختی» نیز کاهش می یابد. در این مورد حمایت خود ارزشمندی 83 درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده است. حمایت اطلاعاتی نیز به میزان 23 درصد قابلیت تبیین و پیش بینی تغییرات متغیر وابسته را داشته است

فرضیه فرعی دوم: حمایت اجتماعی بر توانمندسازی جسمی زنان تاثیر دارد.

جدول ۳: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش بینی «توانمندسازی جسمی» از طریق «حمایت اجتماعی»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
-----------------	------------------	---------------	--------------------	---------	-----------------

رگرسیون	۷۶,۲۲	۵	۷۵,۴۵	۳,۷۵	۰,۰۰۳
باقی مانده	۸۴,۳۶	۲۹۸	۱۹,۱۲		

متغیر ملاک	متغیر های پیش بینی کننده	ضریب بتا	میزان T	سطح معناداری
توانمندسازی	حمایت عاطفی	۰,۰۶	۰,۹۵	۰,۳۳۹
	حمایت ابزاری	۰,۱۳	۱,۹۸	۰,۰۵۶
	حمایت خود ارزشمندی	۰,۰۷	۱,۲۰	۰,۲۳۰
	حمایت اطلاعاتی	۰,۰۱	۰,۱۹	۰,۸۴۶
	حمایت شبکه اجتماعی	۰,۰۲	۰,۴۳	۰,۶۶۵

با توجه به جدول ۳ و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می توان مطرح نمود که ارتباط معنی داری بین «حمایت اجتماعی» با «توانمندسازی جسمی» در سطح $\alpha=0,05$ مشاهده میشود. ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست آمده، نشان داده است که ارتباط مثبت معنی داری بین «حمایت ابزاری» با «توانمندسازی جسمی»، مشاهده میشود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت ابزاری»، «توانمندسازی جسمی» نیز افزایش مییابد و با کاهش آن، «توانمندسازی جسمی» نیز کاهش می یابد.

فرضیه فرعی سوم: حمایت اجتماعی بر توانمندسازی بر حسب عاملیت زنان تاثیر دارد.

جدول ۴: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش بینی «توانمندسازی بر حسب عاملیت» از طریق «حمایت اجتماعی»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۳,۱۹	۵	۸۶,۳۹	۴,۲۰	۰,۰۰۱
باقی مانده	۶۴,۱۹	۲۰۷	۴۸,۹		

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بینی کننده	ضریب بتا	میزان T	سطح معناداری
توانمندسازی	حمایت عاطفی	۰,۱۲	۱,۵۴	۰,۱۲۳
	حمایت ابزاری	-۰,۱۵	-۱,۷۳	۰,۰۸۵
	حمایت خود ارزشمندی	۰,۱۹	۲,۴۸	۰,۰۱۴
	حمایت اطلاعاتی	۰,۳۱	۳,۱۸	۰,۰۰۲
	حمایت شبکه اجتماعی	۰,۰۱	۰,۱۷	۰,۸۶۲

با توجه به جدول ۴ و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می توان مطرح نمود که ارتباط معنی داری بین «حمایت اجتماعی» با «توانمندسازی بر حسب عاملیت» در سطح $\alpha=0,01$ مشاهده می شود. ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون بدست آمده، نشان می دهد که ارتباط مثبت معنی داری بین «خودارزشمندی» و «حمایت اطلاعاتی» با «عاملیت»، مشاهده می شود. بدین ترتیب که با افزایش «خودارزشمندی» و «حمایت اطلاعاتی»، «عاملیت» نیز افزایش می یابد و با کاهش آنها نیز کاهش می یابد.

حمایت خود ارزشمندی به میزان ۰,۱۹ درصد قابلیت پیش بینی تغییرات توانمندسازی را داشته است. همچنین حمایت اطلاعاتی به میزان ۰,۳۱ درصد قابلیت تبیین و پیش بینی تغییرات در عاملیت زنان را داشته است.

فرضیه فرعی چهارم: حمایت اجتماعی بر توانمندسازی اقتصادی زنان تاثیر دارد.

جدول ۵: رگرسیون چندمتغیری جهت پیش بینی «توانمندسازی اقتصادی» از طریق «حمایت اجتماعی»

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری
رگرسیون	۵۴,۱۸	۵	۷۰,۳۶	۳,۳۹	۰,۰۰۷
باقی مانده	۳۰,۱۳	۱۲۵	۸۱,۱۰		

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بینی کننده	ضریب بتا	میزان T	سطح معناداری
توانمندسازی	حمایت عاطفی	۰,۰۹	۰,۸۷	۰,۳۸۲
	حمایت ابزاری	-۰,۱۸	-۱,۸۲	۰,۰۷۰
	حمایت خود ارزشمندی	۰,۰۹	۱,۰۱	۰,۳۱۰
	حمایت اطلاعاتی	۰,۲۵	۲,۱۷	۰,۰۳۲
	حمایت شبکه اجتماعی	۰,۰۸	۰,۸۹	۰,۳۷۲

با توجه به جدول ۵ و با تأکید بر میزان F بدست آمده، می توان مطرح نمود که ارتباط معنی داری بین مؤلفه های «حمایت اجتماعی» با «توانمندسازی اقتصادی» در سطح $\alpha=0,01$ مشاهده میشود. به عبارتی دیگر توان پیش بینی «توانمندسازی اقتصادی» از طریق مؤلفه های «حمایت اجتماعی» وجود دارد. در جدول ۵ با توجه به ضرایب رگرسیون چندمتغیری با روش ورود همزمان و همچنین ضرایب رگرسیون نشان داده است که ارتباط مثبت معنی داری بین «حمایت اطلاعاتی» با «توانمندی اقتصادی»، مشاهده میشود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت اطلاعاتی»، «توانمندی اقتصادی» نیز افزایش می یابد و با کاهش آن، «توانمندی اقتصادی» نیز کاهش می یابد. حمایت اطلاعاتی قابلیت تبیین ۲۵ درصد تغییرات در توانمندی اقتصادی را داشته است.

بحث و نتیجه گیری

حمایت اجتماعی با پنج بعد در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. ابعاد حمایت اجتماعی شامل حمایت عاطفی، حمایت ابزاری، حمایت خودارزشمندی، حمایت اطلاعاتی و حمایت شبکه اجتماعی است. در بررسی آمار توصیفی پاسخگویان اظهار داشته اند که به میزان زیادی از حمایت اجتماعی برخوردار هستند. ارتباط مثبت معنی داری بین «خودارزشمندی» با «توانمندسازی روانشناختی»، مشاهده می شود. بدین ترتیب که با افزایش «خودارزشمندی»، «توانمندسازی روانشناختی» نیز افزایش می یابد و با کاهش آن، «توانمندسازی روانشناختی» نیز کاهش می یابد. ارتباط مثبت معنی داری بین «حمایت ابزاری» با «توانمندسازی جسمی»، مشاهده می شود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت ابزاری»، «توانمندسازی جسمی» نیز افزایش می یابد و با کاهش آن، «توانمندسازی جسمی» نیز کاهش می یابد. ارتباط مثبت معنی داری بین «حمایت اطلاعاتی» با «توانمندی اقتصادی»، مشاهده می شود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت اطلاعاتی»، «توانمندی اقتصادی» نیز افزایش می یابد و با کاهش آن، «توانمندی اقتصادی» نیز کاهش می یابد. در مورد توانمندی کل ارتباط مثبت معنی داری بین «حمایت اطلاعاتی» و «حمایت شبکه اجتماعی» با «توانمندسازی» مشاهده می شود. بدین ترتیب که با افزایش «حمایت اطلاعاتی» (۰,۳۷) و «حمایت شبکه اجتماعی» (۰,۳۱)، «توانمندسازی» نیز افزایش می یابد و با کاهش آنها، «توانمندسازی» نیز کاهش می یابد.

در تحقیقاتی متفاوتی که در ایران انجام شده به نقش حمایت اجتماعی اشاره شده است. در تحقیقی به عدم حمایت دولت از زنان کارآفرین (کلانتری، فمی و سروشمهر، ۱۳۸۹) اشاره شده است. در تحقیق دیگری ضعف شبکه های حمایتی (سلحشوری، و قریب، ۱۳۹۰) از جمله عواملی شناخته شده که در بررسی های آسیب شناسی خانواده مورد توجه بوده است. در مطالعه دیگری به بررسی شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمانهای حمایتی پرداخته شده است. یافته های تحقیق نشان از این دارد که اجرای برنامه های توانمندسازی نتایج مثبتی را در برداشته است و در ابعاد مختلف توانمندی روانشناختی زنان نیز بهبود حاصل شده است (کیمیائی، ۱۴۰۲). نبود یا ضعف شبکه های حمایت اجتماعی (قاضی نژاد، عباسیان، ۱۴۰۲) در بروز آسیبها در خانواده موثر بوده است. گودمن و همکاران در این مورد اشاره به این نکته دارند که توانمندسازی جمعی مقبولیت، تعلق و روابط متقابل عاطفی نقش کاتالیزور در توانمندسازی فردی را دارد. این توانمندی که همبستگی اجتماعی را نیز در بر میگیرد، دگرگونی و تغییر اجتماعی را میسر میسازد (گادمن، ۲۰۲۱) در مجموع مقایسه نتایج تحقیق در مورد حمایت اجتماعی، حاکی از آن است که مولفه های حمایت اجتماعی در جهت توانمندی زنان عمل میکنند.

فهرست منابع

- پیرسون، کریستوفر (۱۴۰۱)، معنای مدرنیت، گفتگوی کریستوفر پیرسون با آنتونی گیدنز، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات کویر
- چلبی، مسعود (۱۳۹۵)، جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی نشرنی. تهران، چاپ چهارم.
- خسروی، زهره، ناهیدپور، فرزانه (۱۴۰۱)، بررسی رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا حمایت های اجتماعی در دانشجویان ایرانی و هندی، فصلنامه جامعه شناسی زنان، سال سوم، شماره دوم
- دیمتئو، م. ر (۱۴۰۰)، روانشناسی سلامت، ترجمه م. کاویانی، م. عباسپور، ح. محمدی، غ. تقی زاده، و و کیمیا، تهران: انتشارات سمت.
- رحیمیان بوگر، اسحق، مهاجری، محمدرضا، بشارت، محمدعلی، طالع پسند، سیاوش (۱۳۹۰)، تعیین کننده های روان شناختی، اجتماعی و ساختاری خودمدیریتی دیابت مجله غدد درون ریز و متابولیسم ایران، شماره ۵۹.

زکی محمدعلی، (۱۳۸۹)، سازگاری جوانان با دانشگاه و رابطه آن با حمایت اجتماعی؛ بررسی موردی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان، دوفصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۴.

ستوده ناورودی، سید امید، زینعلی، شینا، و خستگان، نوشین (۱۴۰۲)، رابطه بین همسر آزاری، حمایت اجتماعی و استرس ادراک شده در زنان دارای همسران معتاد و غیر معتاد شهر رشت، مجله پرستاری و مامایی جامع نگر.

سلحشوری، پروانه و قریب، مینا (۱۴۰۱)، بررسی کمی اطلاعات علمی پیرامون آسیب شناسی خانواده در ایران، همایش آسیب شناسی خانواده، تبریز

سن، آمارتیا (۱۴۰۰)، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

شهبازی، حسن (۱۴۰۳)، مشارکت، راهکار اصلی توانمندسازی زنان، مجله تعاون، دوره جدید، شماره ۱۵۴، ۸۴.

صدقیپور، صالح، بهرام، اسدی، مسعود و میر نادر میری (۱۳۸۹)، رابطه نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در سازگاری آموزشی، اجتماعی و عاطفی دانش آموزان، مجله روانشناسی ۳۳، سال چهاردهم، شماره ۱

قاضی نژاد، مریم، عباسیان، ماریا (۱۴۰۲)، مطالعه کیفی عوامل اجتماعی همسرکشی، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان).

کیمیائی، سید علی (۱۴۰۲)، شیوه های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم.

گروسی، سعیده، آدینه نژاد، راحله (۱۳۸۹)، بررسی رابطه عوامل اجتماعی با تعارض نقشهای خانوادگی و شغلی در بین زنان شهر کرمان، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

Clegg, S.R... (۲۰۱۹) Frameworks of Power. London: Sage Publications.

Decker, C. L. (2021). Social support and adolescent cancer survivor: A review of the literature. *Psycho Oncology*, 16, 1-11

Giddens, A, (2014) the Constitution of Society, London, Polity.

Goodman, L, A. Bohlig, A. Litwin, S. R. Weintraub, A., Green, J., Walker, L., White, &

Kabeer, Naila (2010) 'Reflections on the Measurement of Women's Empowerment.' In: *Discussing Women's Empowerment: Theory and Practice*. SIDA: Swedish International Development Cooperation Agency.

Malhotra, A., Schuler, S.R. & Boender, C. (2012). Measuring women's empowerment as a variable in international development. Background paper prepared for the World Bank workshop on poverty and gender. Washington, D.C.: International Center for Research on Women.

- N., Ryan (2021). Applying Feminist Theory To Community Practice: A Multilevel Empowerment Intervention for Low-Income Women with Depression reachingoutaboutdepression.org,
- Sarason, Barbara R.; Pierce, Gregory R.; Bannerman, Ann; Sarason, Irwin G (1993). Investigating the antecedents of perceived social support: Parents' views of and behavior toward their children. Journal of Personality and Social Psychology, Vol 65(5), Nov 1993, 1071-1085
- Sarason, I.G., Levine, H.M., Basham, R.B., and Sarason, B.R. (1983). Assessing social support: The social support questionnaire. Journal of Personality and Social Psychology , 44, 127-39
- Sustainable Rural Development, Oxford University Press and Community Development Journal, Vol. 36, No. 4, pp: 289-302
- Turner, Jonathan H.(2023) The Structure of Sociological Theory, United States, Wadsworth